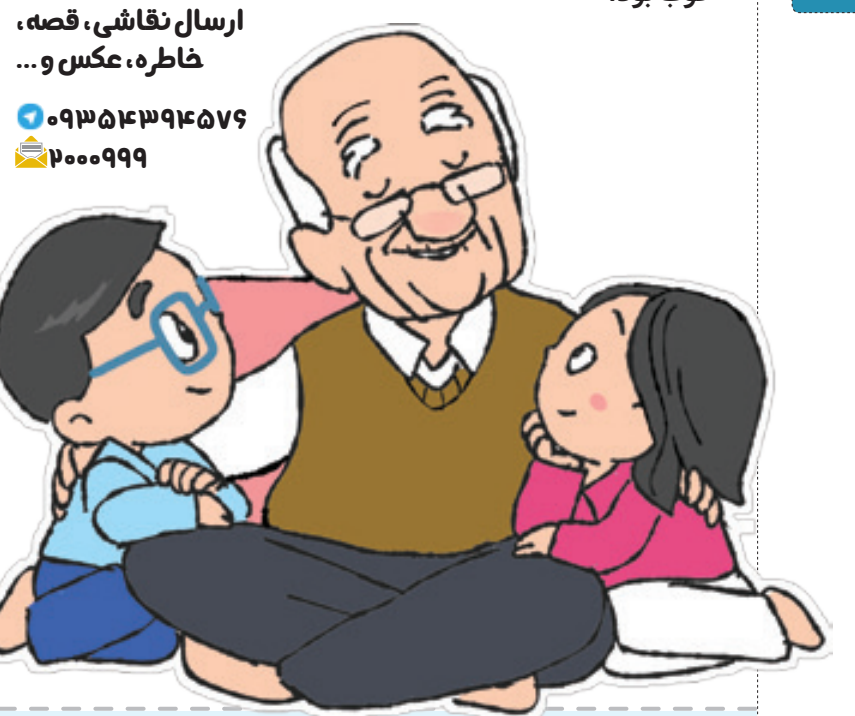


سلام کودکانه

خاطرات پدر بزرگ

ما به خانه پدر بزرگ رفته بودیم. من و خواهرم هستی نمی‌دانستیم چه کار کنیم؟ حوصله‌مان سر رفته بود، چون توی خانه پدر بزرگ اسباب‌بازی نبود و آنتن تلویزیونشان هم خراب بود. پدر بزرگ گفت: «دوست دارین براتون خاطره بگم؟» ما با خوشحالی کنار پدر بزرگ نشستیم و پدر بزرگ از خاطرات کودکی اش برایمان گفت. خاطرات پدر بزرگ خیلی بامزه بود. فکر نمی‌کردم پدر بزرگ در کودکی اش این قدر بازیگوش بوده باشد. من و خواهرم هستی هم از ماجراهای جالبی که در مدرسه برایمان اتفاق افتاده بود، تعریف کردیم. خیلی خوب بود.



ارسال نقاشی، قصه،
خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۴۳۹۱۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

دندان افتاده

مثل یه دونه الماس
دندون تو افتاده
فرشته مهربون
بهت کادوشو داده

چه خوشگله وقتی که
می‌خندی توی عکسا
با دیدنت می‌خندن
همه‌ش مامان و بابا

به جای خالی اون
زبون نزن روز و شب
تا دندونای اصلی
بیرون بیاد مرتب

شاعر: سحر بهجو



شعر

میای بازی

قالیچه هوش و حواس

وسایل مورد نیاز:

یک تکه مقوا، پارچه یا پلاستیک (که می‌تونه از سفره‌هایی که کهنه شده یا بنرهایی که دیگه لازم نداریم باشه) به ابعاد یک موزاییک ۵۰×۵۰ رنگ (مداد رنگی، آبرنگ یا کاغذ رنگی)

روش ساخت:

شش رنگ متفاوت انتخاب کنین و به صورت شش دایره رنگی (یا دیگر اشکال هندسی) روی این مقوا به صورت یه دایره فرضی بکشین (یا بچسبونین). برای این بازی نیاز به یک یار دارین. یکی از شما اول به ترتیبی که می‌خواد روی این اشکال می‌پره. بعد طرف مقابل باید مثل آینه حرکات اون رو تکرار کنه. مثلاً من شروع می‌کنم رو قالیچه خودم به ترتیب روی بنفش، آبی و زرد می‌پریم، طرف مقابل باید به ذهن بسپره و عیناً تکرار کنه.

قواعد بازی به دست خودتون قابل تغییرن، مثلاً می‌تونین سه حرکت سه حرکت نوبت عوض کنین و امتیازها رو بنویسین، یا این که یکی درمیون. امیدوارم از این بازی لذت ببرین.

راضیه قلی‌زاده



شهر قصه

ابر بره‌ای و بادبادک

یکی بود یکی نبود. یک بادبادک بود که به تنهایی در آسمان می‌چرخید و دنبال یک دوست می‌گشت.

بادبادک چرخید تا رسید به ابری که شکل یک بره سفید و تپلی بود. دستی به گوشواره‌ها و

دنباله‌اش کشید و گفت: «سلام بره سفید و قشنگ.»

ابر یا همون بره سفید بع بع کرد: «تو این جاجی کار می‌کنی؟»

بادبادک چرخ زد و گفت: «دارم دنبال یک دوست می‌گردم، دوست من

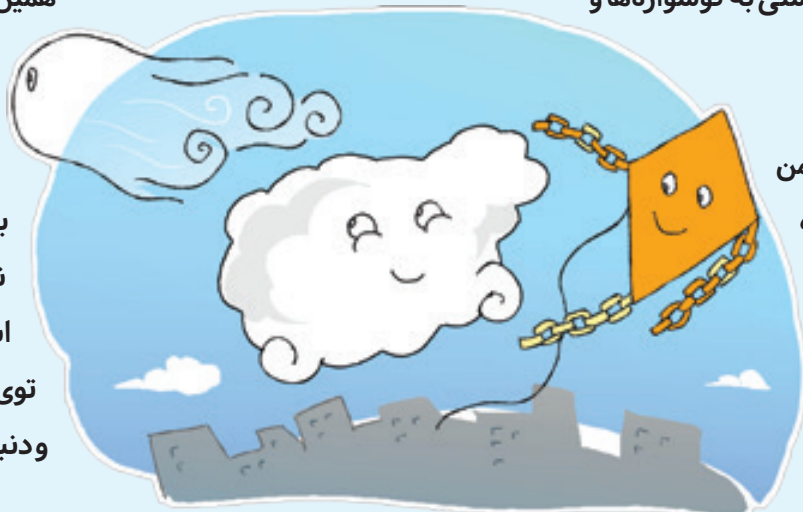
میشی؟» یک دفعه صدای هوهوی باد به گوش رسید. بادبادک به بره

سفید نگاه کرد و گفت: «صدای چیه؟ نکنه باد باشه و منو با خودش

ببره!»

ابر بره‌ای گفت: «زود بیا پیش من تا قایمیت کنم.»

بعد هم دست‌هایش را باز کرد و بادبادک را محکم بغل کرد.



بادبادک گفت: «یواش‌تر له شدم!» ابر بره‌ای خندید و گفت: «نترس من خیلی نرم هستم، له نمیشی.» در

همین موقع باد رسید و با ابر بره‌ای احوال‌پرسی کرد و کمی او را قلقلک

داد. ابر بره‌ای خندید اما مواظب بود موقع خنده بادبادک از لای

دست‌هایش به بیرون سر نخورد. باد هم هوهو خندید و از آن جادور

شد. ابر دست‌هایش را باز کرد و به بادبادک گفت: «بیا که باد رفت.»

بادبادک گوشواره‌هایش را تکان داد و گفت: «ممنونم ابر بره‌ای، اگه تو

نبودی باد منو با خودش می‌برد و من گم می‌شدم.»

ابر بره‌ای بع بعی کرد و گفت: «حالا بیا دنبال هم بدویم.»

توی آسمان بادبادک پیچ و تاب می‌خورد و گوشواره‌هایش را تکان می‌داد

و دنبال ابری که به شکل بره بود، می‌دوید.

نویسنده: عارفه روئین

آثار شما

دنیای نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفاً نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.

ریحانه رضایی ۶ ساله

هر چیزی رو میشه کشید
تو شهر زیبای خیال
روی درخت آلبالو
یه سیب کشید با پرتقال



سحر فرهادیان ۶ ساله

نشسته تو آسمون
رنگین کمون زیبا
یه قو شنا می‌کنه
با خوشحالی، تو دریا



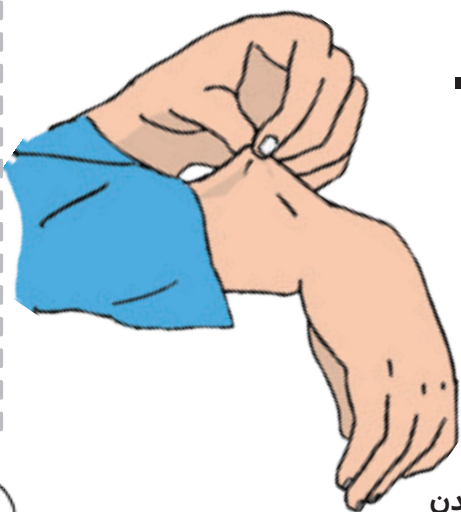
سیده یسنا سرابی ۵ ساله

ماهی همش می‌خنده
وقتی که توی دریاست
وقت شنا می‌خونه
زندگی خوب و زیباست



بدن من

پوست



من روی بدن

تمام جانداران

هستم و یکی از بزرگ‌ترین اعضای بدنم.

من در انسان‌ها رنگ‌های متنوعی دارم؛ از کرم خیلی

روشن تا قهوه‌ای خیلی تیره.

من مانند دیوار مراقب بدن هستم و مثل یک لباس ماهیچه‌ها و استخوان‌ها و اعضای بدن را می‌پوشانم. ظاهرم گاهی تغییر می‌کند؛ مثلاً موقع ورزش کردن کمی قرمز می‌شوم و گاهی موقع بیماری، رنگم می‌پرد.

با افزایش سن چروک می‌شوم.

نور خورشید ویتامین دی را از طریق من وارد بدن می‌کند، اما نور خورشید برای مدت طولانی می‌تواند به من آسیب برساند. برای همین شما باید از من محافظت کنید. من آب و حمام را خیلی دوست دارم. در تابستان‌ها یا وقتی که ورزش می‌کنید، خیلی زود گرم شده و بوی عرق می‌دهم.

پس بعد از عرق کردن حمام کنید و مرا شست و شو دهید.

فاطمه صفری

تصویرسازی‌ها: سعید مرادی

سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

دوستان خوبم خانه‌ای را رنگ کنید که دودکش در سمت راست آن و درخت در سمت چپ آن باشد.



فرفره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها

روزهای زوج

«زندگی سلام»